

دموکراسی برای ایران
خودمختاری شورائی برای ترکمنستان ایران

دوره اول - سال دوم - شماره ۱۳
شهر یور ماه ۱۳۶۷ - ۶۰ ریال

تراژدی خلق کرد

تراژدی خلق کرد را پایانی نیست .	بعد از آنهمه قربانی و آواره شدن در ایام جنگ ، اکنون در بدری و مواجه گشتن با هزاران مشقت در ایام بعد از جنگ آغاز شده است . دو رژیم ایران و عراق که اکنون از معضل جنگ فارغ البال گشته اند
در مدد فرو نشاندن جنبش حق طلبانه خلق کرد برآمده اند . این دو رژیم از کاربرد هیچ سلاح مرکباری علیه این خلق ابائی ندارند . بویژه رژیم عراق با بکار بردن وسیع بمب های شیمیایی علیه کرد های شمال این کشور قصد پلیس بد بقیه در صفحه ۴	

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

تاریخ انتخاب رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا نزدیک می شود . کمتر از دو ماه دیگر رئیس جدید کاخ سفید واشنگتن تعیین خواهد شد . چرخ پویش یا مایکل دوکاکیس . هر چند این بار هیچیک از نامزد های ریاست جمهوری از	شخصیت های پر آوازه آمریکا محسوب نمی شوند ، ولی مسئله انتخابات مهیج و بازار تبلیغاتی آن همچنان داغ است . در باره برد و یا باخت یکی از کاندیداها کسی هنوز جرئت پیشگویی قطعی نکرده است . بر اساس نظر خواهی های معمول بقیه در صفحه ۶
---	--

تحولاتی در سرنوشت فلسطین

بدنبال سخنرانی ملک حسین پادشاه اردن در ۱۲ اوت ، که طی آن او استقلال کامل ساحل غربی رود اردن را از کشور اردن اعلام داشت ، جنبش انقلابی خلق فلسطین وارد فاز نوین و سرنوشت سازی گشته است . شایان ذکر است که تاکنون	ساحل غربی رود اردن ، که ساکنین آن را فلسطینی ها تشکیل می دهند ، جزو قلمرو کشور اردن بشمار آمده و طبق قوانین این کشور اداره می شد . بسیاری از کشورهای منطقه و جهان و بخصوص اسرائیل ، کنجکاوانه منتظر عکس العمل بقیه در صفحه ۸
---	--

در این شماره :
رژیم و سیاست بعد از جنگ در صفحه ۲
استرداد ایرانیان پناهنده در ترکیه به جمهوری اسلامی
گلیپ دیر بیر زامان او تر غار یبلیق در صفحه ۷
نظا هرات ۳۰۰/۰۰۰ نفری در سافنتیاگو در صفحه ۱۲
کودقای حکومت علیه مردم برمه ! در صفحه ۱۲
ذیلی در صفحه ۵

یکسال از انتشار ترکمنستان ایران گذشت

در ۲۵ شهریور ۱۳۶۶ اولین شماره "ترکمنستان ایران" ، ارگان مرکزی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران منتشر شد . "ترکمنستان ایران" اولین نشریه مستقل و آزاد خلق ترکمن ایران است . به همین دلیل نیز انتشار آن باعث عکس العمل های متفاوتی از طرف احزاب و سازمانهای سیاسی ایران گردید . بدخواهان کوتاه بین و کینه توز فعالیت مستقل کانون و انتشار آزاد "ترکمنستان ایران" را "افتتاح دکان جدید" خوانده ^(۱) آن را اشاعه دهند . "اندیشه های انحرافی" ^(۲) و مسبب "تفرقه در جنبش خلق ترکمن" ^(۳) ارزیابی نموده و اعلام جهاد دادند که "اینگونه حرکات تفرقه گرایانه و غیر مسئولانه را با قاطعیت تمام محکوم کنند و با حامیان اندیشه های انحرافی قاطعانه مبارزه نمایند" ^(۴) . (تأکیدات از ملت) دوستان مدعی نمایندگی واقعی طبقه کارگر ایران ، حرکت مستقل کانون را چیزی "جز دوری از طبقه کارگر و جز غلتیدن به دامن بورژوازی" ^(۵) ارزیابی نکردند ! آنان ضمنا اعلام داشتند که : "از اینرو برای دفاع از یکپارچگی جنبش کارگری و برای دفاع از اصولیت کمونیستی ، ضرورت یک مبارزه ایدئولوژیک صریح ، مادقانه و الهام یافته از روح انترناسیونالیزم پرولتری با طرفداران این گرایش ، کاملا محسوس بقیه در صفحه ۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران !

یکسال از انتشار...

می شود.^(۶)

اما دوستان واقع بین و آگاه به مسئله ملی خلق های تحت ستم، به فعالیت مستقل کانون و انتشار "ترکمنستان ایران" بگونه ای دیگر برخورد کرد و پس از بررسی بیانیه استقلال کانون نوشتند که آن "حاوی دانستیهای با ارزش از خلق ترکمن و تاریخ جنبش ترکمنستان و نیز درس های گرانبهایی است که از بررسی و نقد روند این جنبش در ۶۰ سال اخیر حاصل آمده است."^(۷)

این سه نوع برخورد متفاوت خودبیانگر میزان آگاهی از اوضاع و واقعیات جامعه، درجه انعطاف و پذیرش و تحمل اندیشه های مخالف یا متفاوت از اندیشه های خودی و نیز تجربه اندوخته شده در برهه مبارزات حاد است. همچنین این چندگونگی نگرش به مسئله ملی - که طبیعی است - میزان عمیق و جدی بودن این مسئله و لازمه برخورد واقع بینانه - بدور از هر نوع خود محور بینی و انحصارطلبی - و مسئولانه بدان را نشان می دهد.

برخورد سازمان اکثریت به کانسون و "ترکمنستان ایران" بیانگر کینه و عداوت این سازمان نسبت به آنهاست. برخورد "راه کارگر" هنوز با اندکی ملاحظه و رعایت نسبی اعتدال همراه است! لذا خطر به صلیب کشید شدن مسئله ملی در شرایط مطلوب این دو سازمان همچنان نهفته است.

برخورد حزب دموکرات کردستان مبنی شناخت مسئله ملی از طرف این حزب، انتخاب راه درست مبارزه جهت دستیابی به اهداف ملی و انقلابی، تقویت آگاهی

ملی و انقلابی در خلق ها و اعتقاد و پایبندی آن به دموکراسی است.

"ترکمنستان ایران" در طول یکسال انتشار خود به عنوان ارگان مرکزی کانون توانست خوانندگان را با خط مشی و اهداف کانون آشنا ساخته و در امر سازماندهی انقلابیون آگاه و متعهد خلق ترکمن حول کانون خدمات گرانبهایی بکند.

از بدو فعالیت کانون و انتشار "ترکمنستان ایران" حساسیت رژیم اسلامی به ترکمنستان ایران نیز دوچندان گردید. تعقیب ها و بازداشت ها به امری روزمره تبدیل شد؛ سخت گیری و بد رفتاری با انقلابیون دریند ترکمن شدت خاصی گرفت. نهایتا در منطقه حکومت نظامی اعلام شد و ای برقرار گردید. "ترکمنستان ایران" به موقع خود در باره این فشارها و تصیقات رژیم گزارش داد و افکار عمومی را با وضعیت حاد منطقه آشنا ساخت.

ارائه مقالات تحلیلی جامع از مسئله ارضی منطقه یکی از خدمات فراموش ناپذنی "ترکمنستان ایران" است. این مقالات ضمن اثبات ارتباط تنگاتنگ مسئله ملی و ارضی در ترکمنستان ایران، محکوم به شکست بودن تئوریهای عاریه ای و قالبی و عدم تطبیق آن با واقعیات منطقه را به وضوح نشان داد. "ترکمنستان ایران" همواره از واقعیات ملموس جامعه و منطقه حرکت نمود و در پی دستیابی به نتایج مطلوب و ملموس از این حرکت است.

فرموله کردن مسئله حق تعیین سرمنشأ، نه بگونه ای انتزاعی، بلکه بصورت مسئله ای که پیش روی همه خلق ها قرار دارد و تا مادامی که بطور عینی و واقعی

حل نشود همچنان لاینحل و مسئله ساز باقی خواهد ماند، از جمله خدمات "ترکمنستان ایران" است. تاکنون کم نبودند احزاب و سازمانهایی که دم از به رسمیت شناختن حق تعیین سرمنشأ ملل زده اند، ولی هرگاه پای عمل به میان آمده همین احزاب و سازمانها با "جماق ملی استالین" بر سر همین ملل کوبیده اند. این جماق از هم اکنون از طرف برخی سازمانهای چپ بالا برد شده تا سرفرصت مناسب با ارائه توجیهات "علمی" بر سر سازمانهای ملی فرود

آورد شود! متأسفانه این قبیل گرایش به اعمال زور و فشار و برحق دانستن تنها و تنها خط مشی و ایدئولوژی سازمان خویش دردی است که دامن برخی از سازمانهای چپ ایران را گرفته است. کمتر سازمان چپی را می توان سراغ داشت که به سازمان دیگری به مثابه سازمانی مستقل و تام - الحقوق و با اندیشه و جهان بینی مختص خویش بنگرد و آن را با همین خصوصیات به عنوان متحد استراتژیک خویش بپذیرد. "ترکمنستان ایران" با درج طرح خود مختاری کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در خود، اعتقاد عمیق فعالین این سازمان به مسئله حق تعیین سرمنشأ نوشت ملل و مسئله خود مختاری و چگونگی دستیابی بدان را ارائه داد.

حق تعیین سرمنشأ در جایی قابل حصول بوده و به رسمیت شناخته خواهد شد که در آنجا دموکراسی واقعی بدون هر نوع پسوند و پیشوندی برقرار شمسد. ما به دموکراسی واقعی معتقدیم. این معتقدات در طرح خود مختاری کانون بته در صفحه ۱۱

رژیم و سیاست بعد از جنگ

اکنون مدتی است که سردمداران جمهوری اسلامی با بهره گیری از شرایط پیش آمده ناشی از برقراری آتش بس در جبهه های جنگ، دست به فعالیت های چند سویه ای زده اند. از یکسوی تلاش می شود تا از طریق برقراری رابطه خسبه با کشورهای مختلف جهان و بسویژه کشورهای اروپای غربی نام رژیم خمینی از رده حکومت های تروریست بیرون آورده شود. این رژیم از جمله رژیم هایی است که در رده بالای لیست سیاه تروریست ها قرار دارند.

جمهوری اسلامی از بدو اعمال سلطه خویش بر جامعه ایران عملیات تروریستی را نیز آغاز نمود. این عملیات حتی در چارچوب مرزهای ایران محصور نمانده شعاع عملش را به خاورمیانه و نیز به برخی از کشورهای اروپای غربی گستراند. بگونه که بخشی از لبنان به یکی از پایگاه های تروریستی رژیم درآمد. تا این اواخر هر جا بمبی منفجر و هواپیمایی ریود میشد صحبت از دخالت جمهوری اسلامی بود. ریود مخالفین در خارج کشور و انتقال مخفیانه آنان به ایران و سپردن نشان په دست جلادان امری است که به گوشه ای از فعالیت مزدوران رژیم تبدیل شده بود. و اینهمه از نظر کشورهای دیگر بسودر نمانده و حتی برخی از آنها در قبال آن سکوت کرده اند.

جمهوری اسلامی که در آغاز تحت تأثیر موج انقلاب و حمایت ها و تشویق هایی که از طرف برخی دول و نیز مردم جوامع اسلامی نصیبش شده بود، هوای مسدود انقلاب اسلامی را در سر می پروراند. البته

مسئله صدور انقلاب اسلامی با برخورد با اولین مانع یعنی ارتش عراق و در اولین قدم خود بخود منتفی بود. تنها پتک سهمگین جنگ ایران و عراق کافی بود تا مغز منجمد ملایان را بکار اندازد که دیگر زمان، زمان هزار و پانصد سال پیش نیست، که بتوان از طریق سرازیر کردن قشون به جوامع همجوار و غیر همجوار، به زور سرنیزه مردم را به اسلام و یا مسیحیت و غیره فرا خواند.

البته برای جمهوری اسلامی این شانس بالقوه وجود داشت که اگر به شعارهای مردم و انقلاب جامعه عمل پوشاند و در جامعه عدل و عدالت و دموکراسی برقرار می شد، بتواند سمپاتی هایی در سراسر جهان و نیز در خود کشور کسب کرده و به الگویی تبدیل شود. چرا که در میان جوامع اسلامی همواره یک نوع توهم نسبت به عدل اسلامی وجود داشته و خیلی ها خواهان ایجاد جامعه اسلامی مبتنی بر این عدل بوده اند. جمهوری اسلامی به عینه نشان داد که چنین جامعه و عدلی تنها می تواند در دنیای تخیل بناگردد. صورت تحقق آن چیزی نخواهد بود جز آنچه که اکنون در جامعه ایران متحقق شده است. دین و سیاست همیشه دو مقوله کاملاً متخایری بوده اند. سیاست مقوله ای اجتماعی و دین مقوله ای شخصی است. تداخل ایندو هرگز به نفع جامعه و افراد نبوده است.

بدیهی است تنها کسانی می توانستند دل به عدل و عدالت خمینی ببندند که از واقعیات جامعه بدور بوده اند. نسه خمینی و نه ایدئولوژی اسلامی مورد تبلیغ

و ترویج رژیم هیچگونه قرابتی با عدل و عدالت و دموکراسی ندارند. حال واقعیات سرسخت زمانه باعث شده که ملایان حاکم مسئله صدور انقلاب اسلامی را مسکوت گذاشته در صد تثبیت حکومت خویش و مورد قبول واقع شدن آن از طرف کشورهای جهان بویژه آمریکا و اروپای غربی برآیند. در این ارتباط است که فعالیت های دیپلماتیک رژیم بعد از اعلام آتش بس در چندان شده است. البته رژیم در این زمینه ناموفق نیز نبوده است. اگر قیل از برقراری آتش بس ابتکار عمل در این حیطة با رژیم صدام بوده باشد، این ابتکار عمل اکنون در دست رژیم خمینی است. کشورهای قبیل آمریک، آلمان فدرال و فرانسه از ایسن عملکرد رژیم ابراز رضایت و خشنودی بی کنند. سعی این کشورها در بازگرداندن جمهوری اسلامی به جرگه دوستان و متحدین قابل اعتماد خود و نیز خارج نمودن آن از رده حکومت های تروریست بتدریج نتایج مورد نظر را به همراه می آورد. مسئله بازسازی کشور جنگ زده و انعقاد قراردادهای میلیونی در سه شمر رساندن این تلاش ها نقش اصلی را ایفا کرده است. سردمداران رژیم نیز بر این امر واقفند. آنان بر این امر وقوف دارند که دول آمریکا، فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان و غیره باید در نظر شده و قدم ها بایستی با قدم های آنان تنظیم شوند. این راهی است که رژیم آگاهانه آن را برگزیده است.

از سوی دیگر مذاکرات نمایندگان دو

تراژدی خلق ...

نابودی يك خلق را از انظار جهانیان پوشیده نداشت. بگونه ای که حتی سرمداران کاخ سفید نیز صدایشان درآمد و رژیم عراق را با بایکوت اقتصادی تهدید کردند.

افکار عمومی جهان اکنون از آنچه که بر خلق کرد بخصوص کردهای عراق می گذرد آگاه است. عزیمت گسترده کردها بسوی ترکیه و جستن مأوایی در این دیار مدتی است که آغاز شده. پناهندگان کرد جنگی در چادرهایی که به این قصد زده شده اند جای گرفته اند. ده ها هزار کرد از کودک و پیر باید زمستان سرد امسال و شاید زمستانهای سالهای آینده را در این چادرها سرکنند. آن عده از کردها که هنوز در کوهستانهای شمال عراق پناهگاهی جسته و در آنجا پسر می برند باید بمبارانهای هوایی، استنشاق گازهای سمی، مسموم شدن مواد غذایی و حتی گیاهان محیط زیست و آلا مبتلا شدن به انواع و اقسام بیماری ها را به تن بخرند.

صدام حسین را باکی از اینهمه وحشیگری و کشت و کشتار نیست. او که خود را فاتح جنگ ایران و عراق قلمداد می کند، طالب برقراری "امنیت" در مملکت و فرونشاندن هر نوع صدای اعتراض است. تا بدینوسیله بتواند هر نوع تهدید و خطری را که متوجه رژیمش باشد از میان بردارد.

در سرزمین خلق کرد عراق کمتر دهی می توان یافت که ویران نشده باشد. به همان میزان که دهات این منطقه رو به نابودی می نهند، تعداد پایگاههای

نظامی رو به فزونی اند. کردستان عراق بتدریج در حال تبدیل شدن به منطقه نظامی است.

کردهای عراق اکنون پناهگاه خود را در ترکیه می جویند. اینکه آیا این کشور واقعا محل امن و بدور از تهدید و خطر برای آنان خواهد بود، جای سؤال دارد. همین کردها بودند که از طرف همین رژیم ترکیه چند سال پیش، در شمال عراق مورد حملات هوایی قرار گرفته و تعدادی از عزیزان خود را از دست دادند.

از زمان روی کار آمدن کمال آتا ترک هویت خود کردهای ترکیه که تعدادشان بیش از ۷ میلیون نفر است نفی می شود. این جمعیت ۷ میلیونی در ترکیه نه به عنوان کرد بلکه بعنوان "ترکهای کوهستانی" به رسمیت شناخته شده و بدین نام نیز خوانده می شوند. بنابراین رژیم ترکیه به کردهای پناهنده به این کشور نه به عنوان کردهای عراقی که بعنوان "عراقی" های کوهستانی نگاه خواهد کرد! هر چند انعکاس وسیع عزیمت کردها به سوی ترکیه در سطح جهان میدان عمل این کشور را محدود خواهد کرد. طبق رسوم دیرینه رژیم های ترکیه (بیژه از زمان کمال آتا ترک به این سو) صحبت کردن به زبان کردی در این مملکت ممنوع است. صدام حسین که تشنه قدرت است، گاه و بیگاه خود را "صلاح الدین ایوبی" زمان می خواند. هر چند صلاح الدین ایوبی نه عرب بلکه کرد بود است. تنها وجه مشترکی که صدام حسین با صلاح الدین ایوبی دارد، محل تولد است. محل تولد هر دو ایمنان روستای تکریت است.

دیکتاتور عراق که خود آغازگر جنگ ویرانگر عراق و ایران بوده است، با بکار بردن همه وسایل تبلیغی، سعی بر این دارد که کردها را مقصر اصلی این جنگ هشت ساله معرفی کند. او کردهای عراق را به همدستی با دشمن یعنی رژیم ایران کرده و بدین طریق حکم نابودی آنان را صادر می کند. صدام حسین دلیل تن دادن به انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره با شاه معدوم را ضعف ارتش عراق در آن زمان ارزیابی می کند. او معتقد است که اگر جنبش خلق کرد به رهبری ملا مصطفی بارزانی نیروی ارتش عراق را تحلیل نبرده بود، رژیم عراق هرگز به قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره با ایران تن نمیداد. صدام حسین با این برهان کردها را به همکاری با رژیم شاه در آن زمان و رژیم خمینی در ایام جنگ ایران و عراق متهم کرده و آنان را دشمن منافق ملی عراق معرفی می کند. بنابراین امکان ضعیفی وجود دارد که مردم عراق، که بخشی از آن صدام حسین را بمثابة قهرمان ملی و فاتح جنگ ستوده اند، احساس همدردی و همبستگی با خلق کرد بکنند. پوشیده نماند که ملا مصطفی بارزانی کمک و اسلحه از شاه دریافت کرده و در مواردی به وی نزدیک شده بود. حمایت شاه از ملا مصطفی بارزانی از طرف ایالات متحده آمریکا و اسرائیل طرح ریزی شده بود. هدف از آن مهار کردن و تضعیف رژیم عراق بود که با به اصطلاح سمت گیری سوسیالیستی خود به اتحاد جماهیر شوروی چراغ سبز نشان داده و با این کشور وارد انعقاد قرارداد های نظامی

ذیلی

در دیری ها و جلوگیری از تجاوزات و قتل و غارت های بیگانگان را در تشکیل حکومت مرکزی ترکمن دانسته و در اثر جاوید خود "وعظ آزاد" در اطراف لزوم ایجاد آن سخن می راند. مختومقلی نیز به ضرورت حیاتی تشکیل چنین حکومتی پی برده در طول عمر پر مبارزه خویش لحظه ای از تلاش در راه تحقق آن غافل نمی ماند. "ذیلی" که از اندیشه ها و مبارزات دولت محمد آزادی و مختومقلی و نیز اوضاع نابسامان و اسف انگیز ترکمن ها آگاه بود، راه اصلی خود را پیگیرانه دنبال می کند. لذا تفرقه و پراکندگی در صفوف خود ترکمن ها، عداوت های طایفه ای که منجر به برخورد های خونین می گشت، دامن زده شدن این عداوت ها از طریق بیگانگان و نیز خانهای حاکم و... مانع عملی شدن این ایده ملی می شد.

در این رابطه است که شاعر فریاد برمی آورد:

دوشمانی پسرک اورماغا

تویس آغزی بیر ایلی کبرک

"ذیلی" با توجه به بیداد خان ها و بگ ها خطاب به خلق خویش می گوید:

پرسمیز بگ لردن باخیل بایلاردان

چوله چنقسانک ارکک چویان یاخشیدیر

غولی کینک گونکلی دار چنقنمسیز خاندان

ایشینگ دوشسه برت غالتامان یاخشیدیر

(چویان جوانمرد صحرا بهتر از یک های

خسیر است و راهزن جوانمرد بهتر از

خان خسیر است.)

شاعر به عیان می بیند که ملایسان و

مفتی ها در کنار خان ها قرار گرفته و

جور و ستم آنها را توجیه می کنند و تلاش

دارند تا مردم را با وعده بهشت از قیام

بقیه در صفحه ۱۱

بو غارینلق اوستومیزدن کیتدی
کونکول ماقصات - مراد ننا پتمدی
غایغی - غامسز میننگ واغتم اوتمدی
کزمدیم هیچ کونکول خوشونگ ایچینده.
(ما را خلاصی از فقر و غم نیست، نه بسه
آرزوهایمان رسیدیم و نه یکدم خوشحال
و شادمان گشتیم)

"ذیلی" شخصا در تمامی مبارزات و
جنگ و گریزها شرکت می کند و همواره در
کنار خلق خویش قرار می گیرد. او با سلاح
شعر خود مردم را علیه متجاوزین تهییج
نموده و جوانان را به شجاعت، دلاوری،
فداکاری و ایثار دعوت می کند.

سووش گونی برت یاراسین باغلاماز
نامارت غاچار دوتنر سونکین ساغلاماز...
در سال ۱۸۱۴، "محمد رحیم" خان

خیوه، به سرزمین های گولکلانها حمله
می کند و آنها را غافلگیر کرده و به تسلیم
و امیدارد. او برای جلوگیری از شورش و
قیام دوباره ترکمن های گولکلان، عده
کثیری از آنها را به حوالی خیوه می گزیند.
"ذیلی" شاعر نیز در صف اسرا راهی

تبعیدگاه می شود. عده ای از اسرا و
همراهان در راه هلاک میشوند. دوری از
وطن تأثیرات عمیقی در روحیه شاعر
می گذارد. وی علیرغم اینهمه بدبختی ها
و در دیری ها هیچگاه دچار ناامیدی
و سرخوردگی نمی شود و همیشه با آرزوی
دیدار وطن و دیار خود بسر می برد.
"ذیلی" بدنبال چندین سال کوشش
و پیکار موفق می شود به همراه دیگری از
همراهانش از تبعیدگاه بگریزد.

دولت محمد آزادی، پدر مختومقلی
شاعر کبیر خلق ترکمن، تنها راه رهایی از

"هر آنچه را که میدانی بی تزویر و ریا
بر زبان بران چون عاشقان و وفاداران به
خلق را از غم و درد جهان باکی نیست"
"ذیلی"
قریان دردی نام واقعی شاعری است،
که بخاطر رنج و هسائب بیشمار که از
طرف غاصبان، به سرزمین آباء و اجداد
و مردم اشروا داشته می شود، اسم مستعار
"ذیلی" (خوار و تحقیر شده) را بسر
خود می نهد.

"ذیلی" فرزند محمد دولت و خواهر -
زاده مختومقلی، حدود سالهای ۱۷۸۵ -
۱۷۸۰ در روستای غاراغوزی متولد میشود.
او در مکتبهای روستای خویش، و بنا بر
روایتی قریب به یقین، پیش دانی خویش
(مختومقلی)، به تحصیلات ابتدائی
می پردازد و سپس به خیوه عزیمت نموده
در مدرسه "شیرغازی" تحصیلات خود را
ادامه می دهد و در ردیف افراد باسواد
و مطلع زمانه خود جای می گیرد.

شغل اصلی "ذیلی"، همانند اکثر
زحمتمندان آن دوره، کشاورزی بوده و در
کنار آن به زرگری و تدریس نیز پرداخته
است.

عصر "ذیلی" (نیمه اول قرن ۱۹)
توأم با مبارزات ترکمنها در راه استقلال و
آزادی از یک سو و تشدید حملات حکومت
مرکزی ایران، مخانات خیوه و امیران بخارا
به سرزمین های ترکمن ها از سوی دیگر
بوده است. در این دوره خلق ترکمن
رنج و مشقات فراوانی را از سر گذرانده
است. سازش خانها و بگ های ترکمن
با دشمنان خارجی، ارمغانی جز شکست
و فلاکت برای خلق ترکمن به همراه نداشته
است. "ذیلی" به مثابه زبان گویای
خلق ترکمن در این باره چنین گفته است:

انتخابات ریاست

در کشورهای سرمایه داری منجمله آمریکا، بوش و دوکاکیس دوشادوش هم می تازند. در برخی میدان ها سرعت جرج بوش اندکی سریعتر بوده است.

بوش که کاندیدای ریاست جمهوری از طرف جمهوریخواهان است، معاون و جانشین ریگان رئیس جمهور فعلی آمریکا است. او هر چند شخص دوم کاخ سفید بشمار می آید، ولی تاکنون بدلیل محبوبیت ریگان در میان اکثریت انتخاب کنندگان آمریکایی، در سایه وی قرار گرفته است.

کنگره جمهوریخواهان در نیویورکلانز، در واقع نقطه عطفی برای کارزار انتخاباتی جرج بوش بود. ریگان که دوره چهار ساله دوم ریاست جمهوری اش به اتمام رسیده است، رسماً طی نطقی از مقام ریاست جمهوری آمریکا وداع گفت. طبق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا کسی که دو بار به مقام ریاست جمهوری این کشور انتخاب شود، حق نامزد شدن بسرای سومین بار را ندارد. ریگان دوبار دزبیه هم به این مقام انتخاب گردید. اگر بار سومی نیز وجود می داشت احتمال انتخاب وی به مقام ریاست جمهوری قریب به یقین بود.

ریگان از طریق سخنرانی خویش رسماً بوش را بعنوان جانشین خویش یعنی رئیس جمهوری آمریکا معرفی نمود. این تفویض مقام باعث گردید که بوش به یکباره از زیر سایه ریگان بیرون جهید و خود را در معرض دید و تساوت انتخاب کنندگان قرار دهد و به مانورهای انتخاباتی بپردازد. لازم به تذکر است که انتخاب کنندگان آمریکایی بهنگام انتخاب

جمهوری، نقش و شخصیت معاون رئیس جمهور آتی را نیز در نظر می گیرند. آنها در واقع به دو کاندیدا رأی می دهند و بوش بعنوان معاون ریگان دوبار از این انتخابات موفق بیرون آمده بود.

از تاریخ برگزاری کنگره آوازه جرج بوش بیشتر شده است. او در صفحات مطبوعه بیشتر و بیشتر مطرح می شود و اینهمه به نفع اوست. وی آگاهانه از وضعیت جدید بهره گیری نموده خود را برنده انتخابات ۸ نوامبر معرفی می کند.

شرایط سیاسی - اقتصادی ایالات متحده آمریکا و نیز شرایط جهانی به گونه ای است که بعنوان فاکتورهای مثبتی بنفع جمهوریخواهان وارد کارزار انتخاباتی خواهند شد. علیرغم وجود فقر دهشتناک در میان بخشی از مردم آمریکا، شانسی انتخاب نمایندنده جمهوریخواهان بدلیل ثابت ماندن قیمت اجناس، تقلیل محسوس بیکاری و نیز انعقاد قراردادهای صلح با اتحاد شوروی و متعاقب آن کاهش جنگ سرد و موفقیت های سیاست تشنج زدایی بیشتر است. ریگان در مواردی که نفع دولت خویش و متحدانش تشخیص داده از متوسل شدن به قوه قهریه و نشان دادن پنجه پولادین خود داری نکسرد. نمونه های گراناادا، لیبی، ایران و ... از آن جمله اند. در پی تمامی این آکسیون های خشن، افکار عمومی آمریکا حامی او بوده است.

ریگان بعنوان یکی از پرسر صداترین رؤسای جمهوری وارد تاریخ ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا گردید. در دوره ریاست جمهوری ریگان کم نبودند رسوائی هایی که توسط خود وی ودولتش

ببار آورده شدند. یکی از این رسوائی ها قضیه ایران - گیت بود که نزدیک بسود ریگان را به زانو درآورد. در رسوائی ایران - گیت فاش گردید که ریگان علیرغم ادعاهای خود دال بر قطع هر نوع رابطه با جمهوری اسلامی ایران و تحریم این دولت و نیز تقبیح و به سخره گرفتگی ملاحظاتی حاکم بر ایران، در خفا به معامله با آنان پرداخته و سلاح های مورد نیاز ملاها را تأمین می کرد. جالب اینکه سود حاصله از این معامله، که سر به میلیونها دلار می زد، به حساب ضد انقلابیون نیکاراگوئه ای ریخته می شد. در واقع آخوند های جمهوری اسلامی که خود را حامی دولت انقلابی نیکاراگوئه معرفی می کردند، از طریق دولت ریگان چیب ضد انقلابیون نیکاراگوئه ای جهت تهیه اسلحه و انجام عملیات خرابکارانه شان را پر می نمودند!

ریگان بی آنکه به زانو درآید، از همه رسوائی ها پیروزمانده بیرون آمد. او راه را برای انتخاب معاون خویش برای دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری هموار کرده است. لازم است که جرج بوش از این موقعیت کمال استفاده را بکند.

مایکل دوکاکیس، نامزد ریاست جمهوری از طرف دموکراتها که پیروزی درخشانی را در دورنمای کارزار انتخاباتی خود نمی بیند، تلاش دارد جرج بوش را بعنوان معاون ریگان و سهم در همه رسوائی ها ببار آورده در دوره ریاست جمهوری وی در میان مردم افشا کند. او خطاب به مردم میگوید که جرج بوش نقش بزرگی در رشد فقر و فلاکت میلیونها آمریکایی که خیلی از

گلیب دیر بیر زامان اؤتر غاریبلیق

یاری کجه اؤیه باریب،

دانگدان اوقا باتسام ناتجک،

شیرین - شیرین دوشلر گورۇپ،

هزیرل رادیپ باتسام ناتجک،

کؤسۇپ یالی بارماقلاری

سیاشدیر ییپ، اؤیناشدیر ییپ،

قوشاردان توتسام ناتجک!

... اؤنیانجا - دا

داش، ایشیکده

پرسارسدیردی تویناق سسی

گۆزی یوق دك كورسپ اوردی

آرچین کمپینگ کؤل مۆرزیسی

ناس رنگلی دیشلر نینگ

حرفالندی - دا گاد یگینی،

غامچیسینی شاربیله اتدی

آینا غۇنچلی ادیگینه

كۆك مانگقلا جالبار نینگ

اوجغورینا خابات بر ییپ،

مۆرتلار نینگ چولا رینا

غایتا - غایتا غانات بر ییپ

دییدی! "ارتیر دانگدان بیله

اؤموش - تایش غارانگیدا،

قولونگ اؤغلی مشیدان بیله

گۆز ملى آرجینقیدا"

پال لادی - دا اولی - اولی،

دییدی: "ارتیر ایکنگیزده

دانگدان پاله اوغرامالی!"

رایله - بشیله دئجک بولسام،

کپلماگه مای بر نئق

ایکی آغیز سؤوال برسیم،

اؤجینجیسین دییدیره شق

"ها، مین جاغاز"

غارشیینگ سن

آق پادشانگ بؤنروغنا؟

یا اؤزۆنگی دانگدیر جیق

آلا شانینگ بؤنروغنا،

چۆلدن - چۆله، چۆیدن - چۆیه،

سئرانجا قاز، اتمکچیمینگ؟

یا رالینگ آرقاچینگا

ساراد بیجیق گیتمکچیمینگ

بؤنروغنا دل دیرچه

کیم میشینگ، سن اعلان دییدی

کپ گوریندیر سنینگ یالجا،

چۆپ دؤنؤند، دغلان! دییدی

غانیم قیزیب،

اینیم دیدگن،

یؤنرغیمی داش دك دؤوب

تاسر سالییدیم دپسیندن

اشیلگه اتمکچینگ

کچیر یعلی بولان بولوب،

آنکیپ اؤنؤنگ نپسیندن،

دیلم دیشلأپ، ساقلاندیم من

دانگدان بیله

مشیدان بیله

چیک واکونا اۇقلاندیم من

من - ا ایندی من - له ولی،

مشیدان اؤجین آغیر دگدی

دۆین اؤیلان غاریب بیگیت

داراخت دك باشینا اگدی

كۆك كۆرتلی ناچار گلین

باغرین داغلاپ - داغلاپ قالدی

اویاسی - دا بولاپ رالین،

قارا كۆزۆن چیغلاپ قالدی

بۆتین اویا آرچین کمه

نخمت اؤکاپ، اغلأپ قالدی

آرچین بۇلسا جاق - جاق گۆلۇپ،

قارا مۆرتۆن یاغلاپ قالدی

هلی هم کلسینه

قوی غینانجین باغلاپ قالدی

اینه، شید ییپ مشیدان بیله

اوزاق یۇلا باش قوشوشیب

قارا ساجلی پارۆزینگ

تیگیر لرینه سس قوشوشیب،

کیمگه توی - بایرام،

کیمگه ظلوم

غشیلما، اینجاما،

صابر ایله کۆنکولوم

گلیب دیر، بیر زامان

اؤتر غاریبلیق ...

دئیپ، زارین هینگلندیک - ده،

اوغرا پردیک ...

چاره یوقدی ...

عارضی - حالینگ کیم دینگلسین،

"یر غاتی - دا، یول ایراقدی" ...

تایماز بابا بیر آخ

چکیپ،

دینگ یردی گورۆنۆکینه

گؤیا شایات چیقان یالی

اؤنؤنگ کورن هر کۆنۆنه

یل اوغرونا غایمالاشدی

ساغفالمینینگ آق غیل لاری ...

ایچکین - ایچکین سۆیشۆ شدیلر

بابانگ میهمان اؤغول لاری ...

گورۆلمدیک مکان گومان،

اوکراینا، اورسیت دییمان،

چاغیل یۆلی، اؤتلی یۆلی ...

ایشلئتیلر ایشک یالی،

قوالادیلار ایلدن - ایله،

نیره بارساق، ظلوم، حیله ...

تایماز بابانگ گۆزلرینه

یاش آیلانیپ، بیردن دئمدی

- هاوا، میانگتی مشیدان بۇلسا

دۇغان یالی یۇلد اشیمدی

اوی لریندن چیقاندا - دا

اسسی آیلیپ،

تنگدی حالی،

اوج یشل غارا حاسسا یاتیپ،

دایانماندی حالی - حالی ...

"سن جۆگۆلک ادیانگ! " دییپ،

بیر پاتیشا یانارالی،

چاغیل یۇلونگ اورتاسیندا

آتدی ایتین آتان یالی

اوق باغریندا کچن سۆنگ هم

اؤنه تاراپ ایکی ائلاپ،

آخیرکیجی دینده - ده

تازه آلان کلنن یاتلاپ،

اؤزی بیلن آلیپ گیتدی

اهلی ایدن آرزوینی ...

(آسمان رجه اول سووراندی

گینگ جینینگ بیر چودانی)

"ایدیپ - بیدیپ

آلتی آیی

آرقا آتدم "دییب یورکام،

بیر یاسسقینگ ائگنده

یۇلا شیپال قویوب یورکام،

گورکۇ یاقین قارا جانیم

ایرلس قاچدی آیاغما ...

چپ اویلوغیم ساندان چیقدی ...

باغریم دیرأپ تایاغیم،

گورمه دیگیم گورد غالیپ

پنه کلدیم اوراچاما ...

کریم قرمان نپس اف

تحوالاتی در...

سازمان آزاد بیخش فلسطین و نحوه اداره ساحل غربی رود اردن از طرف فلسطینی ها می باشند .

بلافاصله پس از اعلام تصمیم اخیر شاه اردن ، مذاکراتی بین هیئت نمایندگی سازمان آزاد بیخش فلسطین و دولت اردن در مورد نحوه اداره این منطقه صورت گرفت و بنا به اظهارات رهبری "ساف" نتیجه مذاکرات رضایت بخش بوده است . بر اساس این مذاکرات ، قرار شده که پاسپورت های فلسطینی هایی که در ساحل غربی رود اردن زندگی می کنند و صاحب پاسپورت های اردنی می باشند ، به مدت دو سال تعدید شود . بعد از سپری شدن مدت تعدید شده ، احتمالاً پاسپورت های اردنی تبدیل به پاسپورت های مسافرتی خواهند شد .

کارمندان فلسطینی که تا این مدت تحت استخدام دولت اردن بودند و حقوقشان را از این دولت دریافت می کردند ، می توانند همچنان به کار خود ادامه دهند ، با این تفاوت که اینبار قسمت اعظم حقوقشان از طرف سازمان آزاد بیخش فلسطین پرداخت خواهد شد .

مسئله قابل توجه در این میان دلایل اصلی تصمیم اخیر شاه اردن در مورد اعلام استقلال این منطقه و واگذاری آن به فلسطینیها می باشد . یکی از دلایل تصمیم اخیر شاه اردن را می توان در اعتراض روی به دولت آمریکا و نیز اسرائیل دانست ، زیرا که شاه اردن پس از رد پیشنهاد اش در مورد راه حل مسئله فلسطین از طرف دولت آمریکا - با توجه به اهمیت حیاتی مسئله فلسطین در

میان کشورهای عربی و درگیری مستقیم و ناخواسته دولت های عربی با این مسئله و همچنین اسرائیل ، خود را از طرف این دولت در مقابل مسئله فلسطین تنها رها شده احساس می کرد ، و از طرف دیگر به خوبی می دانست که "ساف" سازمانی نیست که مطابق میل او به مسئله فلسطین برخورد کند .

علت دیگر می تواند ترس ملک حسین از اوج گیری غیر قابل کنترل جنبش فلسطینیها در مناطق اشغالی و نفوذ آن به میان مناطق فلسطین نشین تحت حاکمیت اردن ، بخصوص قسمت شرقی اردن می باشد . قابل ذکر است که ۱/۸ میلیون فلسطینی در قسمت شرقی اردن و ۸۵۰ هزار فلسطینی در قسمت غربی اردن پسر می برند . همچنین بر تعداد فلسطینیها که بر اثر سرکوب شدید از طرف دولت اسرائیل ، از مناطق اشغالی بسوی کشور اردن روی می آورند ، افزوده می شود .

مسئله مهمتر در این میان ، بررسی امکان تشکیل دولت موقت و یا دولت در تبعید و بنای یک کشور فلسطینی در این منطقه از سوی سازمان آزاد بیخش فلسطین می باشد ، که خود هدف اصلی مبارزات خلق فلسطین را تشکیل می دهد . امری که دولت اسرائیل از هم اکنون در مسود انجامش به شدیدترین تهدیدها دست یازیده و اعلام داشته که اجازه ایجاد چنین دولتی را هرگز نخواهد داد .

از طرف دیگر اظهارات اخیر چند تن از مقامات رهبری "ساف" در مورد شناسایی کشور اسرائیل می باشد . امری که تاکنون بیان و قبول آن از طرف کشورهای عربی بهمانند یک تابو بوده تا چه رسد به خود

رهبری "ساف" که به این مسئله اذعان دارد یکی از مشاورین عرفات در پاریس طی مصاحبه ای اعلام نموده که " اکنون زمان آن فرا رسیده است که دولت اسرائیل و سازمان آزاد بیخش فلسطین ضمن بسته رسمیت شناختن یکدیگر ، برای صلح با هم مذاکره کنند . " و یا از همه مهمتر اظهارات ابوشریف سخنگوی "ساف" در ماه ژوئن است . وی در یکی از روزنامه های عربی اشاره می کند : " دو کشور فلسطین و اسرائیل می توانند در کنار یکدیگر همزیستی داشته باشند . " این برای نخستین بار در تاریخ مبارزات آزاد بیخش خلق فلسطین است که رهبری "ساف" به مسئله شناسایی اسرائیل اشاره می کند . واقعیت آنستکه قیامی که در دسامبر ۱۹۸۷ از نوار غزه آغاز شده بود و تاکنون نه تنها شعله آن خاموش نشده ، بلکه روز بروز نیز گسترده تر می شود ، ویژگی خاصی نسبت به قیامهای قبلی - که معمولاً در محدوده خاصی محصور می ماند - دارند . دارد و آن شرکت وسیع و فعال تمام طبقات جامعه فلسطین ، روح قاطعانه و وحدت طلبی قیام و گستردگی آن در تمام مناطق اشغالی و حتی در میان فلسطینیان ساکن شهرهای اسرائیل میباشد . با وجود سرکوب و کشتار بیرحمانه تظاهرکنندگان فلسطینسی در مناطق اشغالی ، شعله قیام روز بروز گسترده تر می شود . ارتش اسرائیل وحشیگری را در سرکوب فلسطینیان به آنجا رسانده که تاکنون به غیر از محکومیت دولت اسرائیل در سازمان ملل متحد ، حتی متحدان جهانی این کشور نیز مجبور به

تحوالاتی در ...

اعتراض به شیوه سرکوب ارتش اسرائیل شده اند. اخیراً نیز سازمان عفو بین الملل ضمن اعتراض شدید به دولت اسرائیل، این کشور را متهم به استفاده از نوع مخصوصی از گاز اشک آور در مقابله با تظاهرات کنندگان فلسطینی نموده است که اثرات مخربی بر بدن بجای می گذارد. این سازمان خواستار تحقیق یک سازمان بیطرف بین المللی پیرامون این مسئله گشته است.

مسئله قابل اهمیت تر نقش رهبری "ساف" در اعتراضات ماههای گذشته در مناطق اشغالی میباشد. "ساف" که بعد از خروج از لبنان، تمام قدرت خود را به سازماندهی در سرزمینهای اشغالی مبدول داشته بود و بخصوص بعد از نشست آوریل ماه در الجزایر و تأیید این مسئله - یعنی سازماندهی مناطق اشغالی - از طرف جبهه خلق و وحدت، بزرگترین سازمانهای عضو "ساف" اهمیت بیشتری یافته و خلق فلسطین نیز با استقبال از فراخوانهای "ساف" و اعتصابات چند صد هزار نفری در مناطق اشغالی بار دیگر به نقش رهبری "ساف" بعنوان تنها نماینده واقعی خلق فلسطین انگست گذاشت. درجه سازمانیافتگی اعتراضات و تداوم سازمانیافته آن در ماه های اخیر، بخوبی نشان داد که نه تنها قیامهای خود بخودی توده ها نبوده، بلکه تحت رهبری "ساف" صورت گرفته است و خلق فلسطین اینبار مصمم تر از همیشه در نظر دارد که به شعار تحقق کشور فلسطین جامه عمل بپوشاند.

عدم حمایت فعال دیگر کشورهای عربی و حتی ضدیت بعضی از آنها با تشکیل دولت فلسطینی به رشد قاطعیت فلسطینی ها در اتکا به نیروی خود فلسطینی ها کمک مؤثری کرده است. ابویاد یکی از رهبران "ساف" طی مصاحبه ای با یکی از خبرنگاران اروپایی اظهار داشته که: "بعد از مراسم خاکسپاری ابو جهاد در دمشق، حافظ اسد خیلی واضح و مشخص به ما گفت من یک ناسیونالیست عرب هستم و نمیخواهم که ملت عرب بار دیگر به یک کشور دیگر تقسیم شود و بهمین دلیل من مخالف تشکیل کشور فلسطین هستم، علاوه بر آن فلسطین همیشه جزئی از کشور سوریه بوده است."!

و یا اظهارات وزیر دفاع سوریه که اعلام میدارد: "در حال حاضر اکثر عربی وجود دارد و این برای ما کافیت"!

اگر زمانی در جهان عرب صحبت از عدم شناسائی اسرائیل و بیرون راندن اشغالگران بود، امروز دیگر نه تنها رهبران فلسطین صحبت از شناسائی اسرائیل، بلکه مبارزه در جهت جامه عمل پوشاندن به قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل متحد بر اساس تقسیمات سال ۱۹۴۷ میباشد، یعنی همان قطعنامه ای که ۴۱ سال پیش از طرف عربها قاطعانه رد شده بود.

رهبری فعلی "ساف" رد قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل را در آن زمان بعنوان یک اشتباه تاریخی نام می برد و تمام تلاش دیپلماتیک رهبری "ساف" در حال حاضر، کوشش در جهت تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای حل مسئله فلسطین می باشد.

پیشنهاد تشکیل این کنفرانس بین المللی، گرچه از طرف بسیاری از کشورهای جهان مورد استقبال قرار گرفته، ولی دولت اسرائیل ضمن مخالفت با تشکیل این کنفرانس، هنوز هم با "تروریست" نامیدن "ساف" اعلام میدارد که بهیچ وجه حاضر نیست که با این سازمان بعنوان نماینده فلسطینی ها پشت میز مذاکره بنشیند. اکنون دو مسئله حیاتی در مقابل رهبری "ساف" قرار دارد: چگونگی اداره ساحل غربی رود اردن و تأمین مخارج اداره این منطقه، و ایده اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی ها. بر خورد درست به این دو مسئله در سر نوشت آتی فلسطینی ها و نیز سازمان آزادبخش فلسطین نقش پر اهمیتی خواهد داشت. به رسمیت شناختن ضعیف دولت اسرائیل از طرف سازمان آزادبخش فلسطین تصمیم واقعگرایانه ای است. زیرا که این دولت وجود دارد و انکار آن انکار واقعیت است. اعلام دولت ملی مستقل فلسطینی ها مثلاً در ساحل غربی رود اردن نیز می تواند تصمیم درستی از طرف "ساف" باشد. فرصت های تاریخی تکرار نمی شوند. باید کمال استفاده از این فرصت ها را کرد.

هنوار غزه قبل از اشغال شدن توسط اسرائیل، تحت قیمومیت مصر قرار داشت.

تراژدی خلق ...

فریاد خویش ویرای ماجرتشدید همبستگی خود با این خلق، راه دیگری باقی نمی ماند. امید بستن به امکانات رژیم های ضد مردمی و بستن دست و پال خود با این امکانات، هرگز به نفع خلق و جنبش نبود است.

انتخابات ریاست

آنها بی سرپناه در خیابان ها بسر می برند و هزاران تن از آنان از فقر و سرما و گرسنگی هلاک می شوند، داشته و دارد. دوکاکیس اشاره به رشد سرسام آور سود سرمایه داران و در مقابل فلاکت و حشتناک فقر نمود، انتخاب جرج بوش به ریاست جمهوری را تثبیت این شرایط نا عادلانه ارزیابی می کند. دولت آمریکا علاوه بر داشتن این معضلات دارای بد میلیاردری نیز هست که ریگان با سیاست تسلیحاتی خویش آن را به رقم نجومی رسانده است.

کارمندان متوسط و کارگران متخصص که تا انتخاب ریگان به نامزد های دموکراتها رأی می دادند، موضع خود را عوض کرده رأی های خود را به نفع جمهوریخواهان به صندوق ها ریختند. آیا دوکاکیس موفق خواهد شد این جمهوریخواهان نو را دوباره به موضع قبلی شان بازگرداند؟! ترائن نشان می دهد که این دو قشر از موقعیت فعلی خویش و نیز از اوضاع

جامعه راضی اند.

البته عامل تعیین کننده در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دست یافتن به اکثریت رأی ایالات این کشور است. هر کاندیدی که بتواند مهمترین ایالات آمریکا را بسوی خود جلب کرده و اکثریت رأی این ایالات را به حساب خویش جمع کند، برنده انتخابات است. یکسی از موفقیت های دوکاکیس، کسب اکثریت در ایالات است که همیشه طرفدار جمهوریخواهان بوده اند. ولی در قبال بوش در ایالاتی کسب موفقیت کرده که مهمترین و کلیدی ترین ایالات آمریکا محسوب می شوند! عامل دیگری که به نفع دوکاکیس عمل خواهد کرد، رأی سیاهپوستان آمریکایی است.

اینان که فقیرترین اقشار جامعه آمریکا را تشکیل می دهند، نه تنها هیچ بهره ای از سیاست ریگان و دوره هشت ساله ریاست جمهوری آن نبرده اند، بلکه فقر و بدبختی شان در این دوره تحمل تا پذیر شده است. جسی جکسن که در واقع اکثریت سیاهپوستان را در کنار خویش دارد، یکی از کاندیداهای دموکراتها برای

تحقق نایافتگی آمال دیرینه فقر، مخرب و مزورانه امپریالیسم بوده است. استثمارگران که قبل از تلاشی امپراطوری پسر قدرت عثمانی جهت جلب جماعت و همکاری کردها، وعده تشکیل دولت مستقل کردها را داده بودند، بعد از متلاشی شدن این امپراطوری وعده خویش را بسرعت فراموش نموده و کردها را در میان کشورهای همسایه تقسیم نمودند.

حال این خلق کرد است که بدور از کشور و دولت خودی، بدور از امکانات مدرن اواخر قرن بیستم در کوهستانهای ایران، عراق و ترکیه آواره اند و بخشی از

ریاست جمهوری بود. او اکنون با تمام توان تلاش دارد تا رأی سیاهپوستان را بنفع دوکاکیس جمع کند.

اکثریت انتخاب کنندگان آمریکایی تحت تأثیر سیاست ریگان، بنظر می آیند که خواهان تحول عمیقی در سیاست فعلی نیستند. بویژه آنکه جرج بوش در کنار موفقیت های اقتصادی دولت ریگان، مقولات مین پرستی و تضمین امنیت ملی را به تم تبلیغات انتخاباتی خود تبدیل نموده است. انتخاب کنندگان این دو مقوله را در وجود ریگان تحقق یافته می دانند و ادامه تضمین آن را در انتخاب معاون وی می بینند! با توجه به این امر پیروزی برای دوکاکیس آسان نخواهد بود. اگر دموکراتها در این انتخابات نیز با ناکامی مواجه گردند، تئوری یکی از تئوریسین های آمریکایی میدان عمل خواهد یافت که می گوید: دور، دور جمهوریخواهان است. آنان بر سر قدرت باقی خواهند ماند. دموکراتها در آینده نزدیک شانس روی کار آمدن ندارند.

آن باید هر لحظه فرود بمب های جدید شیمیایی را انتظار بکشند. هنوز دور - نمای برای اتمام این بدبختی و تیره روزی دیده نمیشود. اعتراض دول مختلف جهان نیز از مرحله حرف فراتر نمی رود. هیچ دولتی قصد آن را ندارد که بخاطر این خلق صییت زد، قرارداد های میلیاردی را که در صدد انعقاد آنها با رژیم های عراق و ایران اند، به مخاطره اندازد. چرا که زمان، زمان بازسازی ایران و عراق بعد از جنگ است.

برای خلق کرد راهی جز رساتر کردن بقیه در صفحه ۹

تراژدی خلق

و همکاری شده بود. کردها که مجموعاً بیش از ۲۰ میلیون نفر را شامل می شوند در کشورهای همسایه ایران، عراق و ترکیه زندگی میکنند. آرزوی دیرینه این خلق است که روزی کشور و دولت مستقل خویش را باز یافته و مؤسسات ملی خویش را برپا دارند. در این کشور خودی دیگر صحبتی از ناپودی آداب و رسوم ملی، از دست دادن هویت ملی و منوعیت زبان مادری در میان نخواهد بود. این آرزو متأسفانه هنوز تحقق نیافته است. عمده دلیل این

رژیم و سیاست

رژیم ایران و عراق هنوز هیچگونه نتیجه ای بیار نیاورده است. هر یک از طرفین مذاکره صورتات و انتظارات خاص خویش از دور میز مذاکره نشستن را دارد. رژیم صدام که خود را فاتح جنگ تلقی می کند سعی دارد تا رژیم خمینی را وادار به قبول خواست های خود بکند. رژیم خمینی نیز وانمود میکند که گویا جنگ را نسیاخته و هنوز از قدرت بسیج نیروی جنگی برخوردار است. در این رابطه است که در حین انجام مذاکرات، گسیل داشتن افراد به جبهه ها و تجهیز ارتش و سپاه لاینقطع ادامه دارد. برای رژیم خمینی مسجل شده است که عامل تعیین کننده در جنگ نه

موج انسانها، که مجهز بودن به سلاحهای مدرن امروزی است. و این رژیم در صدد برطرف نمودن این نقیصه است. برقراری رابطه حسنه با کشورهای آلمان فدرال، فرانسه، انگلستان، آمریکا و غیره امکان تهیه قانونی این سلاحها را نیز به جمهوری اسلامی می دهد.

سوی سوم فعالیت رژیم متوجه زندانیان سیاسی و انقلابیون است. از زمان برقراری آتش بس فشار به زندانیان سیاسی شدت بیسابقه ای گرفته و شکنجه و اعدام بلا انقطاع ادامه دارد. رژیم سعی دارد تا هر نوع صدای اعتراض را در درون خفیه ساخته و آرامش گورستان در جامعه ایجاد کند. همچنین وجود هزاران زندانی

سیاسی شکنجه شده که آثار شکنجه بر بدن آنان مهر ابدی خویش را زده است، می تواند لطمه جدی بر حیثیت جمهوری اسلامی که اکنون تلاش می ورزد خود را بعنوان دولتی حقوقی و قانونی در انتظار عمومی معرفی کند، بزند. بنابراین نابود کردن این افراد از یکطرف نابودی آثار شکنجه و از طرف دیگر محو متعهدترین انقلابیون از صحنه نبرد را به همراه دارد. تاریخ ملل و دول نشان داده است که می توان با توسل به حيله و زور و فشار مدتی حکومت نمود. لذا هرگز این قبیل حکومت ها از عمر طولانی ای برخوردار نبوده اند. جمهوری اسلامی نیز نمیتواند استثنای تاریخ باشد.

یکسال از انتشار

که در شماره ۸ "ترکمنستان ایران" به چاپ رسیده است، قابل رؤیت است. هیئت تحریریه "ترکمنستان ایران" در آغاز دومین سال فعالیت ارگان، ضمن قدردانی صمیمانه از کمک های معنوی و مادی رفقا و دوستان، انتظار دارد، در حین تقویت این کمک ها، همه رفقا و دوستان به مسائل سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و... ترکمنستان

ایران حساس بوده و آنها را با تمام جزئیاتش تعقیب کنند. هیچ مسئله ولو جزئی - نباید از نظر انقلابیون و افراد دلسوز به مسئله خلق ترکمن دور بماند. دنبال کردن مسائل و آوردن گزارش های مربوط به آنها در "ترکمنستان ایران" گام مهم دیگری است در جهت افشای بیشتر رژیم دیکتاتوری خمینی و آگاه نمودن دیگر خلق ها از اوضاع ترکمنستان ایران.

(۱) - نشریه "ایل گویچی"، ارگان

شعبه خلقهای سازمان اکثریت، شماره ۱۱
(۲) - همانجا
(۳) - همانجا
(۴) - همانجا
(۵) - "راه کارگر"، ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، شماره ۵۳
(۶) - همانجا
(۷) - "گوردستان"، ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران شماره ۱۴۰

ذلیلی

و حرکت بازدارند. او از موعظه های آنها به تنگ آمده می گوید:
ملالار اوؤرلر اول قیاماتی
قویسالار بو یاختی دؤنیا یاخشیدیر
"ذلیلی" در زندگی شخصی خود نسیز متحمل ضریاتی می شود که عرف و عادات زمانه و وضعیت اجتماعی عامل و بانی آن بوده است. او که عاشق دختری به نام

"دؤندی" بوده، در چهارچوب همین محدودیت های اجتماعی موفق به وصال معشوق خویش نمی شود. "دؤندی" مجبور می شود به ازدواج فرد دیگری که بقدر کافی پول و کالا در اختیار بد روی گذاشته است درآید. "ذلیلی" در اعتراض به این عمل می گوید:

... دؤنیاده بد ایش دیر زور بیلن پریمک
بیرینینگ بیرینه میلی بؤلماسا

از "ذلیلی" حدود ۱۳۰ شعر به جای مانده است. او شاعری است که تمامی آرزو و امیال خلق خویش را بیان کرده و اشعارش از درد و غم آنها مایه می گیرد. شاعر در تمامی اشعارش خلق ترکمن را به مبارزه در راه رهایی و مقاومت در برابر دشمنان و متجاوزین دعوت می کند.

استرداد ایرانیان پناهنده در ترکیه به جمهوری اسلامی

اخیراً طبق توافقاتی که بین رژیم حاکم بر ترکیه و رژیم ج ۱۰ انجام پذیرفته، مأمورین مرزی دو کشور مجازند جهت شناسایی افراد فعال ضد رژیم پشهرهای مرزی یکدیگر وارد شده و به شکار انقلابیین بپردازند.

در پی این توافقات بود که اخیراً ۵۸ ایرانی ۷۰۰ دلار دریافت داشته اند.

ایرانی پناهنده در کشور ترکیه، از طرف مأمورین مرزی این کشور به پاسداران رژیم در ایران تحویل داده شده اند. در مجله "بسوی ۲۰۰۰" و دیگر مطبوعات ترکیه آمده است که مأمورین مرزی وان (شهر مرزی ترکیه) در قبال تحویل هر پناهنده ایرانی ۷۰۰ دلار دریافت داشته اند.

صحت این خبر از طرف وزیر کشور ترکیه رد شده است. تحویل پناهندگان و فعالین ضد رژیم ایرانی در ترکیه مدتهاست که طبق توافقات دو رژیم ادامه دارد. تاکنون صدها نفر از فعالین ضد رژیم در ترکیه به رژیم جمهوری اسلامی تحویل داده شده اند.

تظاهرات ۳۰۰/۰۰۰ نفری در سافتیگو

همزمان با لغو وضعیت فوق العاده در شیلی و اعلام انتخابات - به صورت آری یا نه به ادامه حاکمیت فعلی برهبری پینوشه در شیلی - که خود مرهون مبارزات طولانی و بدون وقفه اپوزیسیون مشرقی و انقلابی در شیلی میباشد، دیکتاتوری نظامی در شیلی روز ۱۳ مهر ماه (۱۵ اکتبر) را روز رأی گیری اعلام نمود. در این انتخابات که تنها خود پینوشه دیکتاتور "حق" کاندید شدن را دارد، مردم می توانند فقط رأی "آری" یا "نه" بدهند یا کاندیدا بدهند!

طبق قانون اساسی فعلی شیلی، اگر اکثریت مطلق مردم نیز به پینوشه رأی "نه" بدهند، باز او می تواند تا حدود یکسال ونیم دیگر بر سر قدرت بماند! بنابراین این انتخابات فعلی "قانوناً" تأثیری در ترکیب و یا تغییر دولت نخواهد داشت. ولی چنانچه اکثریت رأی ها "نه" باشند که قطعاً چنین خواهد شد - پینوشه در تنگنای بیسابقه ای قرار خواهد گرفت.

یکشنبه ۱۳ شهریور، شهر سافتیگو شاهد عظیم ترین تظاهرات مردم شیلی بعد از کودتای پینوشه در سال ۱۹۷۳ بود. در این تظاهرات که با شرکت ۳۰۰/۰۰۰ نفر و بمناسبت ۱۸ مین راهبان با لغو وضعیت فوق العاده در شیلی و اعلام انتخابات - به صورت آری یا نه به ادامه حاکمیت فعلی برهبری پینوشه در شیلی - که خود مرهون مبارزات طولانی و بدون وقفه اپوزیسیون مشرقی و انقلابی در شیلی میباشد، دیکتاتوری نظامی در شیلی روز ۱۳ مهر ماه (۱۵ اکتبر) را روز رأی گیری اعلام نمود. در این انتخابات که تنها خود پینوشه دیکتاتور "حق" کاندید شدن را دارد، مردم می توانند فقط رأی "آری" یا "نه" بدهند یا کاندیدا بدهند!

طبق قانون اساسی فعلی شیلی، اگر اکثریت مطلق مردم نیز به پینوشه رأی "نه" بدهند، باز او می تواند تا حدود یکسال ونیم دیگر بر سر قدرت بماند! بنابراین این انتخابات فعلی "قانوناً" تأثیری در ترکیب و یا تغییر دولت نخواهد داشت. ولی چنانچه اکثریت رأی ها "نه" باشند که قطعاً چنین خواهد شد - پینوشه در تنگنای بیسابقه ای قرار خواهد گرفت.

یکشنبه ۱۳ شهریور، شهر سافتیگو شاهد عظیم ترین تظاهرات مردم شیلی بعد از کودتای پینوشه در سال ۱۹۷۳ بود. در این تظاهرات که با شرکت ۳۰۰/۰۰۰ نفر و بمناسبت ۱۸ مین

کودتای حکومت علیه مردم برمه!

راهبان، تظاهرکنندگان به خیابانها ریخته و کودتا را محکوم نمودند. سربازان ارتش کودتا که "حق" شلیک بسوی مردم را داشتند، تعدادی را از پای درآوردند.

شهر رانگون پایتخت برمه در هفته های گذشته شاهد اعتراضات و تظاهرات وسیع توده های خشکین برمه علیه سیستم تک حزبی حاکم بر برمه بود که طی آن تعدادی از مقامات دولتی و حزبی از کار برکنار شدند.

بعد از آخرین تظاهرات، که ۴۰۰ هزار نفر در آن شرکت کرده و خواستار لغو سیستم تک حزبی و برقراری دموکراسی در برمه بودند، دولت دست به کودتا زد. این کودتا در واقع جواب به التیام سوم اپوزیسیون جهت برکناری دولت حاکم در برمه و همچنین مذاکرات بین اپوزیسیون و دولت جهت تشکیل دولت موقت قبل از انتخابات بود.

با وجود اعلام ممنوعیت تجمع و بستن

آدرس در خارج از کشور

PLK

Nr. 117009 C

5000 KÖLN 1

WEST GERMANY

پایدار باد خاطرۀ شهیدای جاوید خلق ترکمن!